

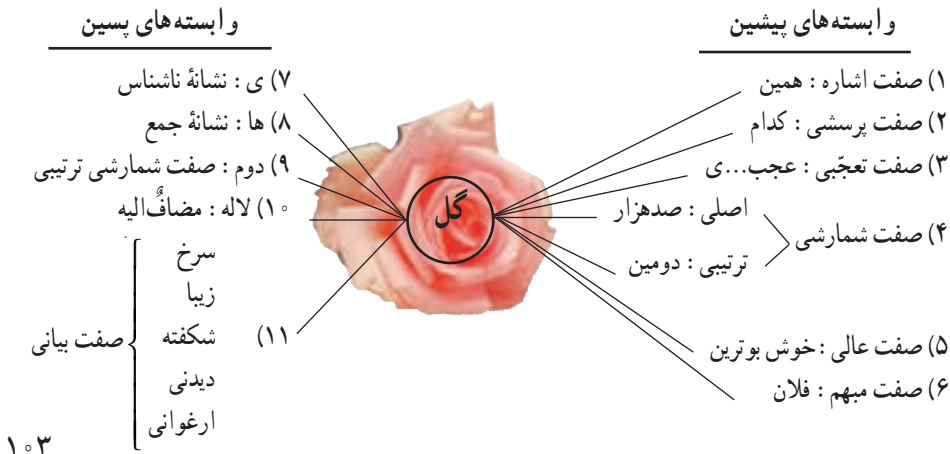
گروه اسمی (۲) وابسته‌های اسم

با توجه به آنچه تاکنون آموخته‌ایم، اکنون گروه اسمی و وابسته‌های آن را می‌شناسیم و می‌دانیم که وظیفه و وابسته در گروه اسمی، توضیح برخی ویژگی‌های هسته یا افزودن نکته تازه‌ای به آن است.

فعالیت

درباره گروه‌های اسمی عبارت زیر و هسته آنها گفت و گو کنید.
کوششی که بشرِ متمدنِ امروز، برای کشفِ حقیقتِ هستی به کار می‌برد، از طرفی برای یافتنِ پاسخِ پرسش‌های همیشگیِ اوست از دستگاهِ عظیمِ آفرینش و از سویی شناختِ حدودِ مسئولیتش در دنیایی که بدان وابسته است.

وابسته‌های اسم را در نمودار زیر می‌بینیم :



ساخت صفت بیانی

صفت‌های بیانی نیز مثل اسم‌ها از نظر ساخت چند نوع‌اند :

(۱) **ساده** : تنها یک جزء (تکواژ) دارد : سفید، سیاه، پاک، بلند، عاقل.

(۲) **مرکب** : از دو یا چند تکواژ مستقل تشکیل می‌شود : پابرهنه، پرآب، پاره پاره.

برخی از صفت‌های مرکب این گونه ساخته می‌شوند :

الف) از اسم و صفت (یا صفت + اسم) : سفید پوست، بد اخلاق، خوش سیما،

ریش سفید، دل تنگ.

ب) یک یا دو تکواژ مستقل + بن فعل : خودخواه، راهنما، دل‌گشا، گل‌اندود.

(۳) **مشتق** : در ساختمان چنین صفتی یک تکواژ مستقل و دست کم یک «وند»

وجود دارد : **بی ادب**.

برخی از صفت‌های مشتق این گونه ساخته می‌شوند :

الف) پیشوند + صفت یا اسم : ناپاک، هماهنگ (هم‌آهنگ)، ناسپاس، نسنجیده

ب) صفت + پسوند : ویرانگر، روشنگر، صادقانه، خردمندانه

پ) اسم + پسوند : ابریشمی، بهاره، پاییزه، بهاری، خانگی (صفت نسبی)

ت) بن مضارع + پسوند : بینا، زینده، گریان (صفت فاعلی)

ث) بن ماضی + پسوند : شکسته (مفعولی)، خریدار (فاعلی)

(۴) **مشتق — مرکب** : این نوع صفت هم مرکب است و هم مشتق :

ناجوان‌مرد، حمایت‌کننده، هیچ‌کاره، چهارده‌ساله، ایرانی‌نژاد

کلّیهٔ واژه‌هایی که تحت عنوان **صفت** می‌آیند، در صورتی که وابستهٔ اسم باشند، صفت‌اند؛ در غیر این صورت، با مقوله‌های **گروه اسمی** و **گروه قیدی** مشترک‌اند.

فعالیت

دربارهٔ عبارت بالا، با ارائهٔ نمونه گفت و گو کنید.

* مضاف و مضاف‌الیه

ترکیب «اسم — اسم» * را مضاف و مضاف‌الیه (اضافه) گویند.

انواع اضافه را می‌توان در دو گروه کلی جای داد: تعلق و غیر تعلق.

* **اضافه تعلق**: در اضافه تعلق بین مضاف و مضاف‌الیه رابطه مالکیت یا وابستگی

وجود دارد اما در اضافه غیر تعلق چنین رابطه‌ای نیست. اضافه تعلق از قبیل:

پیر پرنده، شیفته آزادی، کتاب علی، فلسفه بوعلی سینا، جوینده نام، عنوان نامه، پرواز پرنده، راه شیراز، کاسب بازار، مسافر قطار، خواندن نامه، شاهنامه فردوسی، تخت جمشید، قانون کار، دسته صندلی، گفتن راز، کاغذ روزنامه، مغز مداد.

در ترکیب‌های یاد شده می‌توان مضاف‌الیه را جمع بست: پیر پرندگان، عنوان نامه‌ها، دسته صندلی‌ها.

در پاره‌ای موارد با جابه‌جایی مضاف و مضاف‌الیه در اضافه تعلق و افزودن فعل

«دارد» می‌توان یک جمله سه جزئی مفعول‌دار ساخت:

نامه عنوان دارد. کار قانون دارد. شیراز راه دارد.

بازار کاسب دارد.

* **اضافه غیر تعلق**: اضافه‌هایی که یکی از دو قاعده بالا درباره آنها صدق نکند،

غیر تعلق‌اند؛ مثل:

دست طمع گل لاله کوزه سفال کشور ایران

داس مرگ روز سه شنبه دست ارادت

* اسم و هر کلمه‌ای که در حکم اسم باشد.

۱- پیش‌تر آموختیم که اسم خاص نشانه جمع نمی‌پذیرد؛ بنابراین اگر مضاف‌الیه اسم خاص باشد، این قاعده

صادق نیست و می‌توان با روش دوم امتحان کرد.

بیاموزیم

دو جمله زیر را مقایسه کنید:

الف) مسلمان و دروغ؟!

ب) مسلمان با دروغ میانه‌امی ندارد.

جمله «الف» جمله‌امی خلاصه شده است و به آن «جمله بی فعل» می‌گویند.

جمله «ب» شکل گسترده‌ی جمله «الف» است. هر دو می‌این جمله‌ها صحیح هستند

و در جای مناسب خود به کار می‌روند.

در نمونه «الف» کل جمله به شکل دو کلمه ظاهر شده است. در این جمله

به لگ «و» مابینت یا ابتعاد پيامی، به اختصار و در عین حال به طور قاطع و

صریح بیان شده است.

«و» مابینت یا ابتعاد لگ می‌کند تا پیام جمله برجسته‌تر شود.

چند مثال دیگر:

□ شما و تأخیر؟!

□ فصل امتحانات و مسافرت؟!

□ پدر و بدقولی؟!

سه جمله بالا را به صورت گسترده بنویسید.

خودآزمایی

۱) در متن زیر ترکیب‌های وصفی و اضافی را پیدا کنید.

دیوانه‌ای به نیشابور می‌رفت. دشتی پراز گاو دید. پرسید: «اینها از کیست؟» گفتند: «از عمید نیشابور است.» از آنجا گذشت. صحرائی پراز اسب دید. گفت: «این اسب‌ها از کیست؟» گفتند: «از عمید.» باز به جایی رسید بارمه‌ها و گوسفند‌های بسیار. پرسید: «این همه رمه از کیست؟» گفتند: «از عمید.» چون به شهر آمد، غلامان بسیار دید. پرسید: «این غلامان از کیستند؟» گفتند: «بندگان عمیدند.» درون شهر سرایی دید آراسته که مردم به آنجا می‌آمدند و می‌رفتند. پرسید: «این سرای کیست؟» گفتند: «این اندازه نمی‌دانی که این سرای عمید نیشابور است؟» دیوانه دستاری بر سر داشت کهنه و پاره پاره؛ از سر بر گرفت به آسمان پرتاب کرد و گفت: «این را هم به عمید نیشابور بده. زیرا که همه چیز را به وی داده‌ای.»

۲) در متن بالا هسته و وابسته‌های گروه‌های اسمی را مشخص نمایید.

۳) از بن مضارع و ماضی فعل‌های زیر، صفت مشتق بسازید: می‌رفت، گفته بودی، گذشت،

خواهد دید، نمی‌دانیم.

مثال: می‌رفت ← بن مضارع =

}	رو + ا ← روا
	رو + نده ← رونده ← صفت فاعلی
	رو + ان ← روان

بن ماضی = رفت + ه ← رفته ← صفت مفعولی

۴) برای یافتن معانی متعدّد یکی از واژه‌های «خدا»، «شوخ»، «کتیف»، «مزخرف» به چند فرهنگ

لغت مراجعه کنید و نتیجه را در گزارش کوتاهی بنویسید.

۵) املائی صحیح کلمات نادرست را بنویسید:

ارزش‌گزاری، خواب‌گزار، شماره‌گذاری، قانون‌گذاران، کارگذاران

۶) جمله‌های زیر را به صورت کوتاه و بی‌فعل بازنویسی کنید.

□ امام حسین (ع) هرگز حاضر نشد در برابر یزید تسلیم شود.

□ از خسیس انتظار بخشش نداشته باش.